

جَعْلُ در رسالهٔ رشحات نوریّه اثر سید حسین ظهیرالاسلام دزفولی

حسین نصیرباغبان

چکیده

نسخه‌های خطی، یکی از محمل‌های انتقال فرهنگ در طول تاریخ به ابنای زمانه‌اند. کاتبانی که به استنساخ نسخه‌ها می‌پرداختند، در صورتی که پایبند به متن نبودند، تحریفاتی در محتوای نسخه وارد می‌نمودند که در اصطلاح به آن جعل می‌گویند. جعل نسخه‌ها یا مفادی است یا فیزیکی که در انجامه یا آغاز نسخه است. یکی از نسخه‌هایی که در مفاد آن جعل صورت گرفته، رسالهٔ رشحات نوریّه از سید حسین ظهیرالاسلام، از عرفای دورهٔ ناصری است. در این مقاله به زندگینامه و آثار سید حسین ظهیرالاسلام و بررسی جعل در این نسخه پرداخته می‌شود. *رتال جامع علوم انسانی و مطالعات فرهنگی*

کلید واژه: سید حسین ظهیرالاسلام دزفولی، رشحات نوریّه، حافظ الصّحّه بروجردی، جعل

مقدمه

نسخه‌های خطی‌ای که از دوران گذشته برای ما به یادگار مانده است، رسالتی تاریخی بر عهده دارند تا فرهنگ، تاریخ، آداب و رسوم و علوم مختلف را از پیشینیان به ما منتقل نمایند. در این میان گروهی سعی کرده‌اند که در این واسطه دخل و تصرف نموده، نسخه‌ها را به صورت غلط به نسل‌های آینده منتقل نمایند. آنان اهداف و اعتقادات خود را به صورت واقعیت جلوه داده، به خورد آیندگانشان داده‌اند. در گذشته دستکاری در نسخه‌ها به نام تصحیف یا تحریف معرفی می‌شد، ولی امروزه تحت عنوان جعل ارائه شده است. در دههٔ اخیر تحقیقاتی در زمینهٔ جعل در نسخه‌های خطی صورت گرفته است و نویسندگان سعی نموده‌اند جعلیات

در این نسخه‌ها را طبقه‌بندی نموده، نسخه‌های معمول را بر حسب نوع جعل مشخص نمایند.^۱ با این حال تاکنون تعاریف خاصی در خصوص جعل در نسخه‌های خطی بین محققان و پژوهشگران وجود ندارد. برخی گویند این نمونه از جعل که شامل محتوای کتاب می‌شود، جعل نیست بلکه تصحیف و تحریف است، چرا که جعل به معنای ساختن است، اما ما آن را جعل مفادی و محتوایی می‌نامیم، زیرا یکی از معانی جعل، قلب حقیقت است و در مورد نسخه‌ها نیز حقیقت منقلب شده است؛ یعنی نویسنده عباراتی از نسخه اصل را حذف نموده و عباراتی دیگر را که سازگار با عقاید او بوده‌اند، جابگزین کرده و آن چیزی نیست جز قلب و منقلب نمودن حقیقت به غیر حقیقت.

موضوع مقاله پیش‌رو، جعل در یکی از نسخه‌های خطی در اوایل سده چهاردهم ق. است. این نسخه، رساله‌ای است به نام *رشحات نوریه* از سید حسین ظهیرالاسلام (۱۳۳۷-۱۳۷۴ ق.)، یکی از بزرگان سلسله ذهبیه. این رساله در عرفان نگاشته شده و متأسفانه توسط دو مستنسخ جعل شده، نسخه‌های جعلی آنان در کتابخانه مجلس تهران موجود است. من هنگامی به این موضوع برخورد نمودم که برای تصحیح کتاب *رشحات نوریه*، نسخه‌ای به خط برادرزاده نویسنده، سید احمد سیدی، یافته بودم که از روی نسخه اصلی نگاشته شده بود. این نسخه متعلق به کتابخانه محمدحسین حکمت‌فر در دزفول است.

زندگی‌نامه سید حسین ظهیرالاسلام

فقیه، فیلسوف، عارف، زاهد، شاعر، تاریخ‌دان، استاد علوم قدیمه و اکسیر سید حسین ظهیرالاسلام دزفولی، در سال ۱۲۷۴ ق. در دزفول دیده به جهان گشود. تحصیلات مقدماتی را در همان شهر به اتمام رسانید. وی به جهت تکمیل علوم دینی به نجف اشرف رهسپار شد و در آنجا نایل به درجه اجتهاد گردید. طی درس و بحث، از سیر و سلوک غافل نبود و به ریاضت‌ها و اربعین‌هایی شرعی مبادرت می‌نمود. دیدار او با ملا هادی سبزواری، فیلسوف مبرز در سبزواری، مشهور است. وی سفرهای آفاقی و انفسی زیادی نمود. در عرفان از عاشق‌علیشاه کومالکی در سلسله نعمت‌اللهی کسب فیض نمود، ولی استاد اصلی او، والدش سید محمدرضا سید دزفولی، خلیفه و جانشین آقا سید صدرالدین کاشف دزفولی بود. سید حسین سرانجام در اوّل فجر روز یکشنبه دوم رمضان المبارک سال ۱۳۳۷ هـ ق در شهرستان دزفول به لقاء الله واصل و در مدرسه سید اسماعیل بن سید شاهمیر مدفون گردید.^۲

تألیفات و تصنیفات ایشان به ترتیب تاریخ تألیف، از قرار زیر است:

۱. اشعاری به وزن مثنوی که در سال ۱۳۰۱ هـ ق سروده شده، این منظومه در حدود ۳۶۰ بیت است.
۲. *رشحات نوریه* - منثور - که در سال ۱۳۰۵ هـ ق در ملایر تألیف گردیده است.

۱. نک: هاشمی‌اصل، بررسی جنبه‌های جعل و تزویر در نسخه‌های خطی با استناد به نمونه‌هایی از کتابخانه ملی ایران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد.

۲. کمالی دزفولی، *عرفان و سلوک اسلامی*، ص ۱۴۶.

۳. امام اهوازی، *خاندان سادات گوشه*، ص ۲۶۴.

۳. تحفه الحجاز یا سرالولیاء که سفرنامه حجاز است، در سال ۱۳۰۵ هـ ق سروده شده و حدود دو هزار بیت است.
۴. مستزاد گلشن راز بنام غنچه باز که در سال ۱۳۰۶ هـ ق سروده شده است.
۵. رفیق الاولیاء یا هدایت نامه که در سال ۱۳۰۷ هـ ق سروده شده و یک صد و نود و شش بیت است.
۶. جوهرالاسرار منتخب زبده‌ای از مثنوی مولانا با مقدمه‌ای بر آن در توحید و معارف که در سال ۱۳۱۷ هـ ق سروده شده است.
۷. نغمة الانوار که در سال ۱۳۱۹ هـ ق در تهران سروده شده و شامل تجزیه و تحلیل وقایع صدر اسلام و تبدیل حکومت الهی به سلطنت طاغوتی به دست قوم عرب است.
۸. صحیفه الاصفیاء که در سال ۱۳۲۷ هـ ق در دزفول سروده شده و بالغ بر هزار و یک بیت است.
۹. نغمة الاولیاء که در سال ۱۳۳۱ هـ ق در دزفول سروده شده است.
۱۰. مشرق الانوار که در سال ۱۳۳۱ هـ ق در دزفول سروده شده و در حدود هزار بیت است.
۱۱. فوائد الحسینیة که مشتمل بر مجموع حواشی ظهیرالاسلام بر کتب تفسیر و حدیث و عرفان بوده و به وسیله خلف الصدقش مرحوم آقا سید صدرالدین ظهیرالاسلام زاده جمع‌آوری شده و بالغ بر ۱۷۰۰ بیت است.
۱۲. کتاب مختصری در تاریخ دزفول شامل امهات فلسفه تاریخ که حدود ۱۵۰ بیت است.
۱۳. کشکولی به نام عین الانوار در چهار مجلد.
۱۴. دیوان قصائد و غزلیات و رباعیات و ترجیع‌بندها که حدود ده هزار بیت است.
۱۵. رساله حسن الکلمات که مرحوم سید صدرالدین فرزند سید حسین، کلمات قصار او را در نصایح کافیه و مسائل عرفانی جمع‌آوری نموده و این نام را برای آن انتخاب کرده است.^۱

جعل در رساله رشحات نوریه

یکی از رسائل مثنوی که ظهیرالاسلام نگاشته، رشحات نوریه است. رشحات جمع رشحه و در لغت به معنای قطره و چکیده است. این رساله نیز مشتمل بر یک مقدمه و هشت رشحه یا قطره از انوار سلوک و طریقت و یک خاتمه است. رشحه اول، در توبه؛ رشحه دوم، در بیان ذکر؛ رشحه سوم، در کلمه طیبه؛ رشحه چهارم، در تفکر؛ رشحه پنجم، در رابطه و مرابطه؛ رشحه ششم، در بیان معنی «آلا الله»؛ رشحه هفتم، در خداشناسی و اخلاق؛ رشحه هشتم، در بیان اطوار و انوار سبعة و خاتمه، در بیان کرامات و حکایات از اولیاء الله و کرسی‌نامه عرفای ذهبی است.

نسخه‌های موجود از رساله رشحات به شرح زیر هستند:

اول: نسخه اصل که از روی نسخه به خط مؤلف است و در دست سید علی کمالی دزفولی، نوه سید

۱. همان، ص ۲۶۰ - ۲۵۸.

حسین ظهیرالاسلام بوده، رونویسی شده و به خط برادرزاده مؤلف، به نام سید احمد سیدی دزفولی است. این نسخه هم اکنون در کتابخانه محمدحسین حکمت فر در دزفول نگهداری می‌شود. دوم: نسخه کتابخانه مجلس که توسط شخصی به نام محمدصادق الطیب ملقب به حافظ الصحه بروجردی، در جمادی الاخری سال ۱۳۰۵ هـ ق کتابت شده است. این نسخه اختلافاتی با نسخه کتابخانه حکمت فر دارد، ولی در برخی موارد اغلاط نوشتاری نسخه پیشین را ندارد و از نظر قدمت نیز به زمان مؤلف نزدیک‌تر بوده و یک ماه پس از تألیف کتاب استنساخ گردیده است. این نسخه در مجموعه‌ای در کتابخانه مجلس نگهداری می‌شود که شماره ثبت جدید در کتابخانه مجلس ۵۱۸۵ و شماره ثبت قدیم آن ۴۴۴۲۱ است.^۱

سوم: نسخه‌ای که از روی نسخه حافظ الصحه بروجردی استنساخ شده، ولی انجامه را شامل نمی‌شود. این نسخه نیز طابق النعل بالنعل بر اساس نسخه حافظ الصحه بروجردی است. نسخه مذکور ایضاً به شماره ۵۱۸۵ در کتابخانه مجلس موجود است.^۲ لازم به ذکر است که نسخه اصل به خط ظهیرالاسلام و نسخه جعل موجود در کتابخانه مجلس در سال ۱۳۰۵ ق. نگارش یافته‌اند.

بررسی علت جعل در رشحات نوریه

از دیرباز بین بزرگان سلاسل صوفیه و به عبارت دیگر شاگردان مکاتب عرفانی از یک سلسله، اختلافاتی وجود داشته است. سلسله ذهبیه نیز از این اختلافات بری نبوده، تا جایی که این سلسله را سلسله ذهبیه اغتشاشیه خوانده‌اند.^۳ علت نامگذاری این سلسله به ذهبیه را نیز برخی از اختلافی که بین عبدالله برزش آبادی و مرادش خواجه اسحاق ختلائی بوده، می‌دانند. واقعه چنین است که در دوران شاهرخ میرزا تیموری، خواجه اسحاق ختلائی - از عرفای وقت - دست بیعت به سید محمد نوربخش قهستانی می‌دهد و از جهت سیاسی به او می‌پیوندد.^۴ عبدالله مشهدی برزش آبادی از این امور کناره‌گیری می‌نماید و گویند که وقتی از امر خواجه اسحاق سرپیچی نمود، گفتند «ذهب عبدالله» یعنی عبدالله از زمره مریدها خارج شد.^۵ علی‌ای حال این اختلاف و رقابت بین سید محمد نوربخش قهستانی و عبدالله برزش آبادی تا سالیان درازی باقی می‌ماند. سلسله ذهبیه در اثر این اختلاف به دو سلسله ذهبیه نوریخشیه که پیروان سید محمد نوربخش هستند و سلسله ذهبیه که پیروان عبدالله برزش آبادی هستند، تقسیم می‌گردند.^۶ سید حسین ظهیرالاسلام

۱. حائری، فهرست نسخ خطی کتابخانه و مرکز اسناد مجلس شورای ملی، ج ۲۱، ص ۲۱۲ و ۲۱۳.

۲. ظهیرالاسلام دزفولی، رشحات نوریه، نسخه خطی، کتابخانه مجلس، شماره ثبت ۵۱۸۵.

۳. شیرازی، طریق الحقایق، ج ۲، ص ۳۰۷.

۴. شوشتری، مجالس المؤمنین، ج ۲، ص ۱۴۴ و ۱۴۵.

۵. شیرازی، همان، ج ۲، ص ۳۴۵.

۶. جهت مشاهده نظر مخالف سید محمد نوربخش، نک: مقدمه رساله کمالیه (برزش آبادی، رساله کمالیه، ۱۳۸۷)

بر اساس نظر عرفای ذهبیه نوریخشیه معتقد است که پس از خواجه اسحاق ختلائی، سید محمد نوریخشی عهده‌دار خرقه ارشاد است، ولی عبدالله برزش آبادی را برادر دینی او می‌نامد و به اختلافات موجود دامن نمی‌زند. با وجود این، اختلاف نظر بزرگی در این خصوص بین سالکان طریقت ذهبی، مانع از این نیست که کتاب رشحات نوریه که حاوی سلسله عرفای این مکتب فکری و عقیدتی است، از دخل و تصرف و جعل مفادی برخی مصون بماند. مستنسخ رساله هنگامی که می‌بیند نظرش با نظر نویسنده کتاب مخالف است، دست به تحریف و جعل در این نسخه زده، از زبان نویسنده اقدام به ساختن نسب عرفانی سازگار با روحیه غالب سلسله ذهبیه می‌نماید.

اختلافات دو نسخه از خواجه اسحاق ختلائی آغاز می‌شود. مواردی نظیر حکایاتی از سید صدرالدین دزفولی و مراتب ارادتش به آقا محمد بیدآبادی و حکایاتی از سید محمدرضا سید دزفولی، از موارد محذوف در نسخه کتابخانه مجلس هستند. نسخه اصل، حاوی کرسی‌نامه عرفای ذهبیه است و میان این کرسی‌نامه، حکایاتی از بزرگان این سلسله نقل می‌کند، در حالی که نسخه جعل بیشتر به کرسی‌نامه توجه نشان داده و حکایات را حذف نموده است. نویسنده نسخه جعل سعی می‌کند با حذف خاطرات و حکایات از کسانی نظیر سید صدرالدین کاشف و آقا محمد بیدآبادی اصفهانی - که از سلسله رسمی ذهبیه منشعب شده‌اند - و اضافه نمودن عرفای رسمی سلسله ذهبیه اغتشاشیه، تغییرات را به اوج برساند. اصولاً سید حسین ظهیرالاسلام به تأسی از سید صدرالدین کاشف، معتقد است اصل سلسله ذهبیه از سید محمد نوریخشی می‌گذرد و به محمدعلی موذن خراسانی منتهی می‌شود، ولی غالب ذهبی‌ها معتقدند که این سلسله از خواجه اسحاق ختلائی به عبدالله برزش آبادی می‌رسد. در هر صورت این اختلاف در عقیده، میان جامعه اسلامی این بار منتهی به جعل یا تحریف نسخه‌ای گردیده است که ما اصل آن را از خاندان نویسنده یافتیم.

دلایل ما برای اصل بودن نسخه سید احمد سیدی چنین است: نخست می‌دانیم که نسخه اصل در دست سید علی کمالی (نوه مؤلف) بوده؛ وی از این رساله در یکی از آثار خود در شرح حال جدش، سید حسین ظهیرالاسلام، استفاده نموده است و با تطبیق این نسخه به خط سید احمد سیدی و عبارات مأخوذه از نسخه

۱. سید صدرالدین کاشف دزفولی در کتاب ولایت‌نامه که اثری منظوم است، سلسله عرفای ذهبی را ذکر می‌کند. برخی گویند این سلسله را سید صدرالدین از زبان شارح گلشن بیان کرده و قصدش بیان کرسی‌نامه خود نبوده است؛ ما در جواب گوییم هر یک از عرفا که ولایت‌نامه می‌سرایند، قصدشان بیان کرسی‌نامه خود به نظم است و کاشف در اینجا در مقام بیان عرفای ذهبی که از آنها اجازه داشته است و به خوبی از اختلاف موجود بین ذهبی‌ها مطلع بوده و حتی کتاب برهان‌المرتاضین که به طریق دیگر این سلسله را بیان می‌کند در دست داشته است، ولی این طریقت را مورد نظر داشته و در ولایت‌نامه خود بیان نموده است، و گرنه چرا در جایی که می‌خواهد سلسله عرفانی‌اش را بیان کند، عرفایی را نام ببرد که جزو سلسله‌اش نیستند. به نظر ما این عرفای نام‌برده، همان سلسله نسب سیدکاشف است که از این عرفا با نام «خیر اولیاء» نام می‌برد و در بیت ما قبل آخر اثر منظوم خویش گوید که ریا از کلام شارح گلشن به مشامش نخورده است؛ یعنی وی مؤید این عرفا است. (کاشف، سید صدرالدین، ولایت‌نامه، نسخه خطی کتابخانه ملی ملک، شماره ۵۳۷۰، ص ۷۷)

اصل که در دست کمالی بوده، صحت ادعای ما ثابت می‌گردد،^۱ چرا که در نسخهٔ مجعول چنین حکایات و خاطراتی که کمالی در کتابش آورده، موجود نیست، ولی در نسخهٔ سید احمد سیدی همان عبارات وجود دارند. دوم آنکه نسخه از خاندان مؤلف به دست آمده و آن کس که در خاندان مؤلف است، بهتر می‌تواند نسخهٔ اصل را مشاهده نموده و به دست بیاورد تا دیگران، بنا به قول: «اهل البیت ادری بما فیه». سوم آنکه کرسی‌نامهٔ استفاده شده در رشحات مذکور، با مضامین مورد استفادهٔ سید صدرالدین کاشف در ولایت‌نامه، یکسان است.

در زیر قسمت‌هایی از رشحات نوریه که مبین عبارات نسخهٔ اصل و جعل است، به صورت گزیده درج می‌شود:

در بخشی از نسخهٔ اصل، چنین آمده است:

«... جناب ایشان [الحاج سید محمدرضا سید] نسب معنوی از جانب خالوی خود دارند... و ایشان [سید صدرالدین کاشف] بستگی و صحت نسبت معنوی به جناب حضرت آقا محمد بن محمد رفیع بید آبادی - قدس اله سره - داشته... دیگر شیخ آن حضرت [بیدآبادی]، السید السند قطب المله و الدین محمد شیرازی، که دیباچهٔ فقر ایران و تجدید این سلسله در این آخر زمان از همت علیای آن جناب است و کرامات و مقامات او بیش از تحدید مداد و علومش در تصوف و باطن مدید؛ و جناب سید، مرید حضرت کامل المکمل الشیخ نجیب الدین رضا التبریزی الإصفهانی، و آن حضرت مرید شیخ محمد علی مؤذن... اجمالاً آن که لولای فقر محمدی - صلی الله علیه و آله - همیشه در مشایخ کبار این طائفهٔ جلیله بر پا بوده، چنانچه حضرات مذکورین - قدس الله اسرارهم - و قاسم فیض بخش و شیخ محمد جان بخش و پیر هر دو جناب [یعنی] سید شمس الدین محمد نوربخش، و میر عبدالله مشهدی که برادر طریقت حضرت نوربخش بوده و پیران ایشان مانند سید اسحاق ختلانی و حضرت میر سید علی همدانی و پیر او حضرت محمود مزدقانی و پیر او حضرت قطب الأولیاء رکن الدین علاء الدولهٔ سمنانی که مسلماً امامی مذهب بوده، حتی آنکه مولوی جامی نقشبندی در نفعات ذکر می‌کند که شیخ تقلید امام جعفر صادق - علیه السلام - می‌نموده،^۲ و شیخ او عبدالرحمن اسفراینی و شیخ او رضی الدین علی لالا، و شیخ او مرکز دوائرالولایه و العنایة والهدایة

۱. ر.ک: کمالی، عرفان و سلوک اسلامی، ص ۱۲۰ و ۱۲۱.

۲. جامی، نفعات الانس، ص ۴۴۱؛ شیخ عبدالرحمن جامی در کتاب نفعات الانس، حکایتی را در مورد شیخ علاء الدوله سمنانی نقل می‌کند که حاکی از تقلید علاء الدوله از امام جعفر صادق - علیه السلام - است؛ حکایت این چنین است: «روزی پادشاه چوپان پیش شیخ آهویی فرستاد و سلام رسانید و نیازمندی نمود که «این گوشت سید است، بخورید، حلال است.» شیخ گوید: «مرا در این حالت، حکایت امیر نوروز یاد آمد که آن وقت که در خراسان بود و من به زیارت مشهد طوس رفته بودم و او بشنید و با پنجاه سوار از عقب من بیامد و گفت: می‌خواهم که مادام که در خراسان باشی، با تو باشم. چند روز با وی مصاحبت افتاد. یک روز آمد و دو خرگوش آورد و گفت: من خود زده‌ام، بخور! گفتم: گوشت خرگوش است و هرکس زده است، من نخواهم خورد. گفت: چرا؟ گفتم: به قول امام جعفر صادق - رضی الله تعالی عنه - حرام است، و چون یکی از بزرگان آن را حرام داشته است، ناخوردن آن بهتر است...».

نجم الدین الکبری - احمد الخیوقی - که نسبت کبروی بر آن حضرت است، و شیخ او عمار یاسر بدلیسی و شیخ او ابوالنجیب سهروردی بالا می‌رود با واسطه برای حضرت سید الطائفه جنید بالا می‌رود و به شیخ معروف کرخی به جناب سلطان الأولیاء علی بن موسی الرضا بالا می‌رود پدر بر پدر و امام بر امام به جناب حضرت امیرالمؤمنین، و آن حضرت نفس خلیفه حضرت سید المرسلین محمد مصطفی و ذهبیه از این جهت نامند این سلسله جلیله را که پیران این سلسله جلیله همچون طلای خالص خلاصی از هر غشی پاک و صافی‌اند.»^۱ انتهى. هذا کلام سید حسین ظهیرالاسلام به خط سید احمد سیدی^۱.

اما در نسخهٔ مجعول چنین آمده است:

«خاتمه؛ اجازه یافت این ناچیز حسین الموسوی در سنه ۱۲۹۳ از سید و مولای خود الحاج السید محمدرضا الموسوی و آن جناب به نسبت صحیحه کامله از مولا و خالوی خود السید صدرالدین دزفولی و آن جناب یافته بود از جناب قدوة الاولیاء الکاملین و اسوة الاصفیاء الواصلین که عبارت هدایت السالکین جناب سید [صدرالدین] را درباره آن جناب نقل کردن اولی است: «و از آن جمله عابد یگانه و زاهد زمانه، عارف ربانی و مکاشف حقانی قدوة الواصلین زبده العارفين، طایر آشبانة لاهوت، مصدر نشین بزم ملکوت، مظهر آیات الله الکبری و عالم اسرار العلی الاعلی، المولا المعظم الشیخ الأعظم، فخر الحکماء المتألهین زینت مجالس المؤمنین، البحر الطمطم و الذخر التمطم، مرشدنا و مولانا محمد الاصفهانی البیدآبادی - روح الله روحه و نور فتوحه - حفظ مراتب اقتضاء، قناعت می‌کند از کلمات جناب سید؛ و جناب آقا [محمد بیدآبادی] یافته است از جناب سید قطب الحق و الحقیقه و الدین محمد شیرازی و آن جناب یافت از جناب شیخ علیقتی شیرازی و آن جناب یافت از جناب شیخ نجیب الدین رضا تبریزی الاصفهانی و در رساله برهان المرناضین در وصف نجیب الدین می‌فرماید: «از ابتداء تاریخ یک هزار و صد و دو هجری [۱۱۰۲] جاروب کسی آن سلسله - یعنی ذهبیه کبرویه - به این فقیر بی‌بضاعت مؤلف این رساله علی بن محمد المدعو به علی نقی - تاب الله علیه توبتاً نصوحاً - رسیده از شیخ خود آن قطب فلک ولایت و مهر سپهر هدایت، آن عالم ربانی و آن مهبط فیوضات سبحانی و آن منجذب به جذبات الهی و مورد عنایات نامتناهی، و آن کاشف مرموزات قرآنی و آن مظهر اسرار سبع المثانی، الشیخ الأجل الأکرم الأعظم، زبده الاولیاء الواصلین و قدوة ارباب المکاشفین، الشیخ نجیب الدین رضا تبریزی الاصفهانی - قدس الله روحه و طیب مضجعه - انتهى.» و جناب شیخ نجیب الدین یافته از جناب شیخ محمد علی مؤذن و آن جناب از جناب شیخ حاتم و آن جناب از جناب شیخ درویش محمد مذهب کار و آن جناب از جناب شیخ تاج الدین حسین و آن جناب از جناب شیخ غلامعلی نیشابوری و آن جناب از جناب شیخ حاج محمد خبوشانی و آن جناب از جناب شیخ شاه اسفراینی و آن جناب از جناب میر سید عبدالله مشهدی برزش آبادی و آن جناب از جناب قطب الزمان خواجه اسحاق ختلانی و آن جناب از جناب میر سید علی همدانی و آن جناب از شیخ محمود مزدقانی و

۱. ظهیرالاسلام دزفولی، رشحات نوریه، دست‌نویس خطی، دزفول، کتابخانه محمدحسین حکمت فر.

آن جناب از جناب علاءالدوله سمنانی و آن جناب از جناب شیخ نورالدین عبدالرحمن اسفراینی و آن جناب از جناب شیخ احمد ذاکر جوزقانی و آن جناب از جناب شیخ رضی الدین علی لالا و آن جناب از جناب شیخ الأصفیا نجم الدین الکبری - احمد بن عمر الخیوقی - و آن جناب از جناب شیخ عمّار یاسر بدلیسی و آن جناب یافته از جناب شیخ ابوالنجیب سهروردی و آن جناب به واسطه از جناب سید الطائفه جنید بغدادی و آن جناب از جناب سرّی الدین السقطی و آن جناب از جناب شیخ معروف کرخی و آن جناب از درگاه عرش بارگاه حضرت سلطان الاولیاء الامام علی بن موسی الرضا - صلوات الله علیه - و از آن حضرت به حضرت رسالت پناهی سلسله پیداست. اما واسطه جناب شیخ نجیب الدین از جناب شیخ احمد غزالی و او از جناب شیخ ابوبکر نساج و او از جناب شیخ ابوالقاسم گورکانی و او از جناب شیخ ابوعثمان مغربی و او از جناب ابوعلی کاتب و آن جناب از ابوعلی رودباری و آن جناب از جناب سید الطائفه شیخ جنید بغدادی [است].»
انتهی کلام حافظ الصّحّه بروجردی.^۱

نتیجه گیری

جعل و تحریف نسخه‌های خطی به دلایل مختلفی صورت می‌گیرد. یکی از دلایل آن، انگیزه‌های مذهبی و اعتقادی است؛ به عبارت دیگر تعصب دینی و عقیدتی به برخی از مستنسخان، انگیزه جعل به صورت محتوایی را در نسخه‌های خطی ایجاد کرده است. شناسایی نسخه‌های مجعول و معرفی آن به محققان و اندیشمندان، یکی از راه‌هایی است که مانع از انتشار این خطاها در طول تاریخ خواهد شد و انتقال فرهنگ در بستر تاریخی را به شکل صحیحی تضمین می‌نماید. در این صفحات تحریر شده، علاوه بر اینکه نسخه‌های مجعول شناسایی شده، اشتباهات و اختلافاتی تاریخی نیز که بین برخی از اهل کشف و ایقان است، مورد بررسی قرار گرفته.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

۱. ظهیرالاسلام دزفولی، رشحات نوریه، نسخه خطی، کتابخانه مجلس، شماره ثبت ۵۱۸۵.

منابع:

۱. افشار، ایرج و محمدتقی دانش پژوه، نشریه نسخه‌های خطی کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، ج ۵، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ اول، ۱۳۴۶.
۲. امام اهوازی، محمد علی، *خاندان سادات گوشه*، قم، هیئت ناشران مشحره خاندان سادات گوشه، چاپخانه مهر، نوبت اول، ۱۴۱۳هـ.ق.
۳. برزش آبادی، عبدالله، *رساله کمالیه*، تصحیح محمد خواجوی، شیراز، دریای نور، چاپ اول، ۱۳۸۷.
۴. جامی، عبدالرحمن، *نفحات الانس*، تصحیح محمود عابدی، تهران، سخن، چاپ پنجم، ۱۳۸۶.
۵. حائری، عبدالحسین، *فهرست نسخ خطی کتابخانه و مرکز اسناد مجلس شورای ملی*، ج ۲۱، تهران، مجلس شورای ملی، چاپ اول، ۲۵۳۷.
۶. شوشتری، نورالله، *مجالس المؤمنین*، ج ۲، تهران، اسلامیه، چاپ پنجم، ۱۳۹۱.
۷. شیرازی، محمد معصوم، *طرائق الحقایق*، ج ۲، تصحیح محمد جعفر محجوب، تهران، سنایی، چاپ دوم، ۱۳۸۲.
۸. ظهیرالاسلام دزفولی، سیدحسین، *رشحات نوریه*، مستنسخ سید احمد سیدی، دست‌نویس خطی، دزفول، کتابخانه محمدحسین حکمت‌فر.
۹. ظهیرالاسلام دزفولی، سیدحسین، *رشحات نوریه*، مستنسخ حافظ الصّحّه بروجردی، نسخه خطی، کتابخانه مجلس، شماره ثبت ۵۱۸۵.
۱۰. ظهیرالاسلام دزفولی، سیدحسین، *رشحات نوریه*، مستنسخ ناشناس، نسخه خطی، کتابخانه مجلس، شماره ثبت ۵۱۸۵.
۱۱. کاشف، سید صدرالدین، *ولایت‌نامه*، نسخه خطی کتابخانه ملی ملک، شماره ۵۳۷۰.
۱۲. کمالی دزفولی، سید علی، *عرفان و سلوک اسلامی*، تهران، رودکی، چاپ اول، ۱۳۶۸.
۱۳. هاشمی اصل، هلیا، *بررسی جنبه‌های جعل و تزویر در نسخه‌های خطی با استناد به نمونه‌هایی از کتابخانه ملی ایران*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد ایران‌شناسی، گرایش اصول نسخه‌شناسی و مرمت نسخه‌های خطی و نسخه‌آرایی، دانشگاه شهید بهشتی، بنیاد ایران‌شناسی، زمستان ۱۳۹۱.

(۱)

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

هُوَ الْفَتَّاحُ الْعَلِیْمُ لَوْلَا رَحْمَتُ سَحَابِ الْكَرَمِ مِنْ بَحْرِ فَضْلِ الْغَدَمِ مَنْ أَخْرَجْنَا
مِنْ ظُلْمِ ظُلُمَاتِ الْعَدَمِ وَمِنْ نَشَانِ فِي مَرَاتِعِ مَرَاتِعِ الشَّرْعِ الْأَعْظَمِ فَالْحَمْدُ لِلَّهِ
وَالِی التَّغَمِّ عَلَّمَ الْإِنْسَانَ مَا لَمْ يَعْلَمْ وَالصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ عَلَى الْمَجْدِ الْمَعْظَمِ
وَالْأَسْمَاءِ الْأَعْظَمِ سَيِّدِ الْأَنْبِيَاءِ فِي الْعَالَمِ وَعَلَى آلِهِ وَسَلَّمَ وَعَبْدٌ
چون بین طور کہ سید علم احکام شریعت ظاہر الی یم الیقین داشت مرحوم سید حکیم و سید امام است بقیہ
علوم و اسرار الی کہ شارع معتبرہ کتاب و سنت آن حضرت جت اکمال و کثیر مواد فایہ نمون و مخزن
بیر الی یم الیقین پریشہ و سلسل بہر دوام است و علیہ ربانی تیسیر فرمودہ اند از این نوع علوم علم سکوک
و طریقت و منی و خورشاسی و خدا شناسی و غیر نموده اند از علل باین معانی و علوم بسکوک و طریقت

تم

پیام بهارستان / د، س، ۶ ش ۲۱ / پائیز ۱۳۹۲

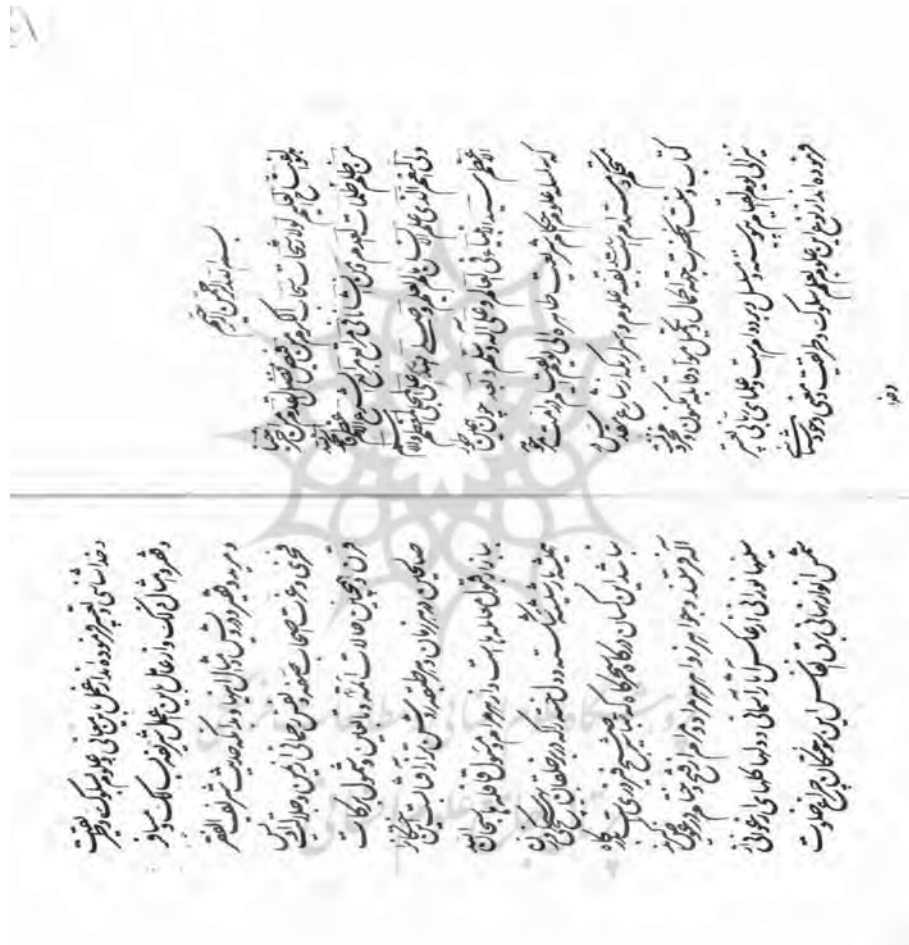
صفحة آغازین دست نوشت نسخه اصل به خط سید احمد سیدی (کتابخانه محمد حسین حکمت فر)

(۲۷)

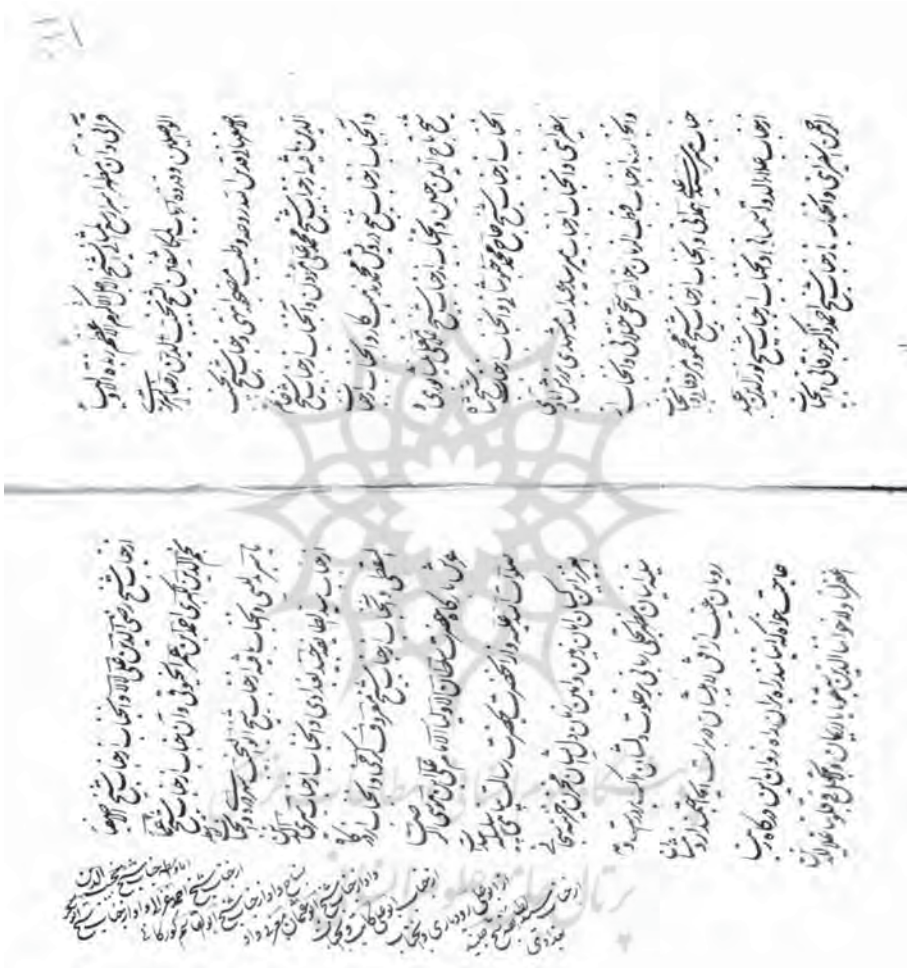
بالایرد باد اطر برای حضرت سید الطائفة جنید بالایرد و شیخ معروف کرخی
 نجیب سلطان لادیا دعای بن موسی الرضا بالایرد پدر بر پدر داماد بر امام نجیب
 حضرت آئین دآن حضرت نفس خلیف حضرت سید المرسلین محمد مصطفی ذی بیتی
 از این جهت نامند این سلسله جلیله را که پران این سلسله جلیله همچون طلای خالص
 خلاصی از هر عشی پاک و حافیه اند
 البغیر این کنان زمین و امین راز آسمان اند دل انسان مخزن خزان سبحانی
 سینه انیان منظر تجلی ربانی بر خلقت ایشان ملک بردارست در رویان نبی
 از تقی لاریجانی ایشان را در بر است ایما محمد از نفس این کنان حاجتخواه
 که اینانند را بر این راه آله زینهار بنظر خودی بانیان نگاه مکن که هر کس با لم
 نگاه خودی نماید آستیه خداوند عالم چشم او را از خیر او کر خواهد کرد سر بنیا اغفر
 لَنَا ذُنُوبَنَا وَلَا تَجْعَلْ فِي قُلُوبِنَا
 غِلًا لِلَّذِينَ آمَنُوا إِنَّهُمْ رُفُّوا حِمْلًا
 ۳۰۵. فَمَشَى رَمَاتٍ زِيْرَةً بِنَا فَبَدَّلْنَا آتَانَ السَّمِيعِ الْعَلِيمِ
 این کتب سیدالبحانی عن الدین الموسوی الذهبی فی الملایر لالزال علیها التذات

پیام بهارستان / د، ۶، س، ۲۱ / پائیز ۱۳۹۲

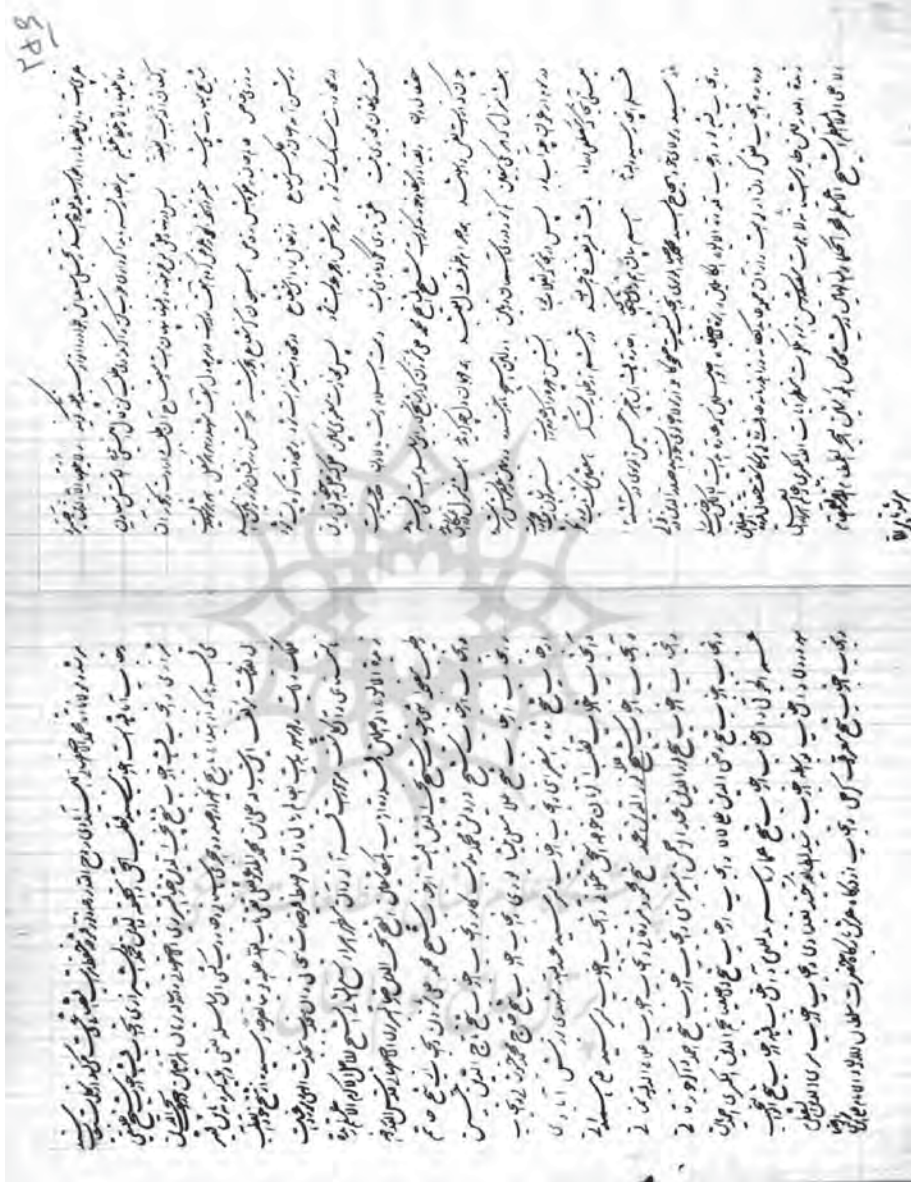
صفحة پایانی دست نوشت نسخه اصل (کتابخانه محمدحسین حکمت فر)



صفحه آغازین رشحات نوریه به خط حافظ الصّحّة بروجردی (متعلق به کتابخانه مجلس)



صفحات پایانی نسخه رشحات نوریه به خط حافظ الصحه بروجردی (کتابخانه مجلس)



صفحه انتهایی رشحات نوریه که از روی نسخهٔ حافظ الصّحّه بروجردی نگاشته شده (نسخهٔ شماره سوم)